



یادداشت

سبب سه سال معطلی برای تائید اجازه فعالیت

صادق کار



بازرس انجمن صنفی کارگران ساختمانی به خبرنگار ایلنا گفته است طی پنج سال روی هم رفته ۵۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه شده‌اند و متذکر شده است که ۳ سال وقت لازم بوده تا سرانجام وزارت کار آنهم پس از مداخله وزیر کار انتخابات آنها را تائید و برایشان جواز فعالیت صادر کرده است.

هزار کارگر تحت پوشش بیمه در واقع معادل ۵ درصد کارگران ساختمانی است که تعداد آنها دستکم یک ۵۰ میلیون نفر ذکر شده می باشد.

به عبارتی دولت حاضر نشده و نیست ۹۵ درصد بقیه کارگران را که بیمه نیستند به رغم تمایل و کوششهای آنها برای بیمه شدن تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دهد و این امتناع در حالی صورت می گیرد که در سالهای پیشتر ۵۰۰ هزار نفر از کارگران ساختمانی تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشتند. این در حالی است که تعداد کارگران ساختمانی نسبت به ۵ سال پیش بیشتر شده و مطابق قانون اساسی موجود بیمه یک حق همگانی شناخته شده است.

بازرس انجمن کارگران ساختمانی البته در مورد علل تائید صلاحیت انتخابات انجمن که بخشی از مجموعه تشکلهای حکومتی است توضیحی نداده است اما بدون آدرس هم می شود علت مخالفت مدیر سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار را که معمولاً بخاطر حساسیتهایی که نسبت به سازمانهای کارگری وجود دارد، از میان نیروهای امنیتی برگزیده می شود دانست، و از آن طریق به رابطه تنگاتنگی که بین روسای سازمانهای کارگری و کارفرمایی وجود دارد پی برد.

همیشه از گذشته دور تا کنون این مدیران وظیفه داشته‌اند از تائید هر تشکلی ولو رسمی که بخواهد حقی را اعاده نماید، جلوگیری و بر سر راه اش سنگ اندازی کنند. علت عدم تائید بدون درسر انجمن کارگران ساختمانی تلاشی بوده که رهبران آن برای بیمه کردن کارگران ساختمانی بکار برده‌اند. دلیل سقوط تعداد اعضای بیمه شده به یک دهم ۵ سال پیش را نیز در همین دست بسر کردنها باید جستجو کرد.



این در حالی است که تشکیل این انجمن مطابق قانون ضد دموکراتیک ناظر بر تشکیل تشکلهای حکومتی انجام گرفته و کاندیداهای برای تأیید صلاحیت شان از هفت خوان قانون مذکور عبور کرده‌اند. با این اوصاف بهتر می شود در مورد علت دشمنی جناب مدیرکل با سندیکاهایی مانند سندیکای واحد و هفت تپه و نهادهای سندیکایی فرهنگیان و محکومیت های پیپی رهبران آنها به زندان های طولانی پی برد

سازمانهای کارفرمایی و کارگری مستقر در وزارتخانه کار در واقع یک تشکیلات پلیسی نه چندان غیر علنی است که قوانین مختص خودش را دارد و رئیس آن به کسی پاسخگو نیست. همه ی اقدامات آن نیز علیه کارگران و هر بنی بشری است که بخواهد حقی از کارگر را احیا کند

گذاشتن عنوان کارفرما در کنار عنوان کارگر مطلقا به معنی برخورد مساوی با تشکلهای کارگری و کارفرمایی نیست. با مراجعه به پروندها و آرشیو این نهاد به ندرت ممکن است موردی را که مربوط به ثبت و تأیید سازمانهای کارفرمایی است پیدا کنید که مورد تأیید بدون اما و اگر این نهاد قرار نگرفته باشد

در مورد تشکلهای کارگری حتی آنهایی که مجاز تلقی می شوند، قضا یا درست مانند همین مورد انجمن کارگران ساختمانی بر عکس است و تا مو را از ماست نکشند صلاحیت کسی را تأیید نمی کنند. دلیل این همه سختگیری چیزی به غیر از مصون نگه داشتن سود کارفرمایان و در این مورد مشخص انبوه سازان نیست.

بیمه نکردن قریب یک میلیون کارگران ساختمانی آنهم در صنعتی که بیشتر قربانیان حوادث کارسالیانه را به اذعان خودشان رقم می زند، علاوه بر اینکه سالانه میلیارد ها سود اضافی به جیب انبوه سازان وارد می کند، هزینه سنگینی را بابت درمان و دارو به کارگر و خانواده اش تحمیل می کند و هر ساله ده ها کشته و صدها معلول روی دست خانواده های بی بضاعت و کم بضاعت می گذارد بدون اینکه وجدان دست اندرکاران این صنعت و حامیان حکومتی آنها را اندکی دچار عذاب نماید. بازرس انجمن کارگران ساختمانی خیال نکند با وساطت وزیر کار راه بیمه کردن تعدادی از کارگران عضو انجمن اش را باز کرده، خیر چنین نیست موانع به اشکال دیگری سفت و محکم سر جای خودشان لاقل تا این رژیم سراپا گند زده پا بر جاست از جایشان تکان نخواهند کرد

عباس شیری، فعال کارگری و بازرس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ساختمانی
با اشاره به صدور احکام کانون کارگران ساختمانی سراسر کشور بعد از سه سال گفت: نزدیک به **کشور**، سه سال از برگزاری انتخابات کانون کارگران ساختمانی کشور می گذرد، اما متأسفانه در دولت گذشته به دلیل مسائل و ملاحظات سیاسی، صدور احکام کانون کارگران ساختمانی انجام نشده بود. از اقدامات مهم و ارزشمند خانم رضایی، معاون روابط کار وزیر کار، صدور این احکام است که زمینه ساز برگزاری انتخاباتی دقیق تر و با کیفیت تر در ماه های آینده خواهد بود

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



تحول اندیشه در باره فقر: بررسی تعاملات بخش سیزدهم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



4 توسعه انسانی

4.3 توسعه انسانی و رشد

اقداماتی که وضعیت تغذیه و سلامت افراد را بهبود می‌بخشند، تأثیرات مثبتی بر دستمزد و بهره‌وری نیز دارند. افزون بر این، این تأثیرات برای افراد فقیر بیشتر از افراد غیر فقیر است. اشتراوس و توماس (1997) نشان داده‌اند که در ایالات متحده آمریکا، مردان بلندقدتر، با کنترل سایر عوامل، درآمد بیشتری دارند — یک درصد افزایش در قد، با یک درصد افزایش در دستمزد همراه است. این رابطه برای مردان برزیلی بسیار قوی‌تر است — همان یک درصد افزایش در قد، با هفت درصد افزایش در دستمزد همراه است.

در بررسی منابع مختلف، اشتراوس و توماس (1998) نتیجه می‌گیرند که بهبود در سلامت منجر به افزایش بهره‌وری و دستمزد می‌شود و، مهمتر از آن در زمینه بحث کنونی، "این عاملها احتمالاً برای آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، یعنی فقرا و کسانی که تحصیلات کمی دارند، بیشترین تأثیر را دارند."

بدون این عناصر بنیادی، فقرا قادر نخواهند بود از فرصت‌های درآمدزایی که با رشد اقتصادی به دست می‌آید بهره‌مند شوند. همزمان، جامعه نیز از مشارکت بالقوه آنها محروم می‌ماند. بنابراین، ارائه خدمات اجتماعی پایه، علاوه بر اهمیت ذاتی خود، یکی از عناصر مهم در فرآیند رشد یک جامعه به شمار می‌رود. چنان که انتظار می‌رود، مقایسه‌های ملی، همبستگی گسترده‌ای میان سطح درآمد و شاخصهایی مانند امید به زندگی، سواد، مرگ و میر نوزادان و غیره را نشان می‌دهد.

با این حال، رشد درآمد به تنهایی لزوماً به بهبود در وضعیت سلامت یا دستاوردهای آموزشی نمی‌انجامد؛ و همچنین، بهبود سلامت یا آموزش بهتر نیز لزوماً باعث افزایش درآمد نمی‌شود.

برای مثال، مواردی وجود دارند که بر این ارتباط کلی میان درآمد و سایر شاخصهای رفاه منطبق نمی‌شوند. گزارش توسعه انسانی سال 1994 نشان داد که کشورهای سربلانکا، نیکاراگوئه، پاکستان و گینه با درآمد سرانه ای در حدود 400 تا 500 دلار، به ترتیب دارای امید به زندگی 71، 65، 58 و 44 سال بودند، و نرخ مرگ و میر نوزادان در این کشورها به ترتیب 24، 53، 99 و 135 در هر 1000 تولد زنده بود. چنین مواردی، گرچه استثنا به نظر می‌رسند، اما می‌توانند نگاه‌های ارزشمندی فراهم کنند. در این مورد خاص، حداقل دو تفسیر وجود دارند.



تفسیر نخست این است که امکان دارد منابع حاصل از رشد اقتصادی به شیوه ای مصرف نشوند که به بهبود سایر شاخصها بیانجامد. رشد اقتصادی فرصت ایجاد می‌کند، اما این فرصت باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. آناناند و راوالین (1993) از این دیدگاه حمایت می‌کنند. آنها در یک مطالعه از 22 کشور نشان می‌دهند که رابطه مشاهده شده میان بهبود امید به زندگی و افزایش درآمد متوسط، زمانی که معیارهایی مانند فقر درآمدی و هزینه‌های عمومی سرانه برای سلامت وارد تحلیل می‌شوند، از بین می‌رود. این نشان می‌دهد که افزایش درآمد متوسط فقط زمانی به بهبود امید به زندگی می‌انجامد که رشد، فقر را کاهش دهد (یعنی افزایش درآمد فقرا برای بهبود قابل توجه در امید به زندگی حیاتی است) و زمانی که خدمات سلامت عمومی به شکل مناسبی تأمین شده باشد. این نحوه استفاده از ثمرات رشد اقتصادی است که اهمیت دارد. از این نظر سریلانکا درآمد خود را به درستی به کار گرفته، در حالی که گینه چنین نکرده است.

تفسیر دوم این است که امکان دارد ساختار مشوقها و سرمایه‌گذاریهای مکمل به گونه‌ای نباشد که جامعه، و به ویژه فقرا، بتوانند حداکثر بهره را، از جمله به صورت افزایش درآمد، از سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت ببرند (اسکوائر، 1993). برای آموزش شواهدی در حمایت از این دیدگاه وجود دارد. مثلاً، داده‌های مقایسه‌ای میان کشورها نشان می‌دهند که اثر رشد سرمایه آموزشی بر رشد تولید ناخالص داخلی به ازای هر کارگر "همواره اندک و منفی" است (پریچت، 1996).

پریچت این تناقض ظاهری میان اثر مثبت آموزش در سطح فردی و اثر کم رمق آن در سطح کلان را با تمایز میان فعالیتهای رانتی و فعالیتهای مولد توضیح می‌دهد. اگر بازدهی آموزش تا حدی در فعالیتهای رانتی تحقق یابد، آنگاه افرادی که آموزش دیده‌اند درآمد بیشتری کسب می‌کنند، اما درآمد ملی لزوماً افزایش نمی‌یابد. از این دیدگاه، کشورهایمانند سریلانکا از مزایای فوری سلامت بهتر و آموزش بیشتر بهره‌مند شده‌اند، اما به درآمدهای بالاتری که می‌توانست با آن مزایا همراه شوند، دست نیافته است.

این استدلال که رشد اقتصادی لزوماً به پیشرفت اجتماعی نمی‌انجامد و این دیدگاه که بهبود سلامت و آموزش لزوماً منجر به افزایش درآمد نمی‌شود، البته وارونه شدنی نیز هست. در کشورهایی که از منافع حاصل از رشد برای تأمین مالی خدمات بهداشت پایه و دسترسی همگانی به آموزش استفاده کرده‌اند، و در کشورهایی که ساختارهای تشویقی و سرمایه‌گذاریهای مکملی را فراهم کرده‌اند تا اطمینان حاصل شود که سلامت و آموزش بهتر به درآمدهای بالاتر منجر می‌شود، فقرا به طور مضاعف بهره‌برده‌اند: هم سالمتر و آموزش دیده‌تر شده‌اند و هم مصرف خود را افزایش داده‌اند.

گزارش توسعه جهانی سال 1990 پیشرفت در این دو حوزه را پایه راهبرد دو بخشی خود قرار داد و استدلال کرد که این دو، تقویت کننده یکدیگر اند و هیچیک بدون دیگری کافی نیست

نه به جنگ و استبداد آری به صلح و آزادی

تجاوز دولتهای جنایتکار اسرائیل به ایران را محکوم می‌کنیم



و عده بعد از جنگ چه زود فراموش شد

صادق



در یکی از حملات متجاوزان اسرائیلی به کارخانه فردا موتورز واقع در بروجرد دو کارگر این کارخانه به اسامی "ایمان گودرزی (۳۰ ساله) و حسین نقدی (۳۹ ساله) کشته و تعداد ۲۳ نفر دیگر نیز مجروح شدند.

دو خط تولید این کارخانه نیز در اثر این حمله تخریب شد. مسئولین ذیربط در گرما گرم فاجعه به کارگرانی که در اثر جنایت اسرائیل از کار بیکار شده بودند وعده بازسازی و بازگشت سریع به کار را دادند، اما نه بازسازی آنطور که وعده داده بودند عملی شد و نه کارگران را تا بازسازی نگه داشتند.

حالا خبر می رسد که ، از مجموع حدود ۴۰۰ کارگری که در این کارخانه کار می کردند، به علت توقف کار، حدودا ۲۰۰ نفر بلا تکلیف و نزدیک به ۱۰۰ نفر دیگر بیکار و به بیمه بیکاری معرفی شده اند. از گزارش پیداست که سانسور شده است و علت بلا تکلیفی ۲۰۰ کارگر عامدانه آنطور که هست توضیح داده نشده

ظاهرا علت عدم معرفی ۲۰۰ نفر کارگری که به بیمه بیکاری برای دریافت حقوق دوران بیکاری معرفی نشده و از آنها با عنوان بلا تکلیف اسم برده شده، غیر رسمی بودن اشتغال آنها بوده است وگر نه دلیلی نداشته که عده ای را به بیمه معرفی کرده اند ولی نیمی از کل کارگران را که نا خواسته در اثر بمباران شغل خود را از دست داده اند بلا تکلیف گذاشته باشند

البته متاسفانه از این نوع استخدام ها که کارگر بخاطر رسمی نبودن به هنگام چنین رخدادهایی عملا بلا تکلیف می ماند تا آنجا که حتی از گرفتن حقوق بیکاری هم محروم می ماند، در واحدهای تولیدی تعداد زیادی که اغلب تعدادشان بیشتر از کارگران رسمی است وجود دارد که خیلی هایشان نیز پس از مدتی از کار اخراج می شوند تا سابقه پیدا نکنند

اما عجیب است کارگرانی که در زیر بمباران مرگ را تجربه کرده اند، بعد از واقعه که تاثیرش روانی آن تا مدتها او را رها نخواهد کرد حتی از گرفتن حقوق بیکاری ناخواسته محروم شود. این واقعا یک رفتار خشن غیر انسانی و از پیامدهای موقت سازی نیروی کار و مقررات سختگیرانه بیمه بیکاری است است که بنا به گفته خودشان ۹۷ درصد کارگران را در بر می گیرد و بیمه بیکاری را نیز عملا برای ۹۷ درصد کارگران بی معنی و خاصیت کرده است



معلوم نیست با خانواده آن دو نفر که به طرز دلخراشی بوسیله بمب کشته شده و ۳۳ نفر دیگر که مجروح شده‌اند چه کرده‌اند. بهر حال کشته و مجروح شدن ۳۵ کارگر تنها در یک کارخانه گوشه کوچکی از جنایات اسرائیل است که آمار آن در یک گزارش مشخص می شود ولی هنوز آماری از مجموع کارگرانی که در جریان حملات بمب افکن های اسرائیلی به قتل رسیدند و سرنوشت آنهایی که بیکار شده و بحال خود رها شده‌اند در دست نیست

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

تسلط دولت بر تامین اجتماعی، عامل افلاس و فساد

ع امید



یکی از کسانی که خبرگزاری ایلنا از او به عنوان نماینده بازنشستگان یاد کرده در مطلبی که روز پنج شنبه سوم مرداد تحت عنوان "چرا دولتها دست از سر تامین اجتماعی بر نمی دارند" در یکی از صفحات این خبرگزاری منتشر شد، سلطه دولت بر تامین اجتماعی را مورد انتقاد قرار داد و با به پرسش کشیدن علت ضعف تامین اجتماعی دولت را سبب آن معرفی کرد و خواهان استقلال این سازمان شد.

نوشت: این سازمان که یک ایلنا از قول محمدرضا قربانی « فعال صنفی بازنشستگان کارگری » بیمه‌گر عمومی و غیردولتی است، سال‌هاست تحت مدیریت دولتی قرار گرفته و این یک تخلف آشکار است. دولت باید از دخالت در سازمان تامین اجتماعی و شستا دست بردارد و بدهی‌های خود را به این سازمان پرداخت کند.

تا اینجا دلیلی برای مخالفت با تقاضای محمد رضا قربانی وجود ندارد. این مطالبه ای است که ده‌ها سال است از طرف کارگران و فعالین کارگری و پیش از همه توسط فعالین و تشکلهای مستقل کارگری مطرح شده است و چند سالی است که اعضا و روسای تشکلهای حکومتی نیز گاهی این درخواست را البته بدون اینکه به نتیجه برسد مطرح نموده‌اند.

این وصف هیچ یک از دستگاه های عریض و تطویل و پر هزینه و با دنگ و فنگ دولتی نه تنها کوچکترین وقعی به این درخواست کاملاً معقول و حقوقی نه نهاده‌اند، بلکه سال به سال تسلط و دست اندازی خود به دارایی های این سازمان را بیشتر کرده‌اند



افلاس روز افزون مالی این سازمان تحت سلطه دولت در سالهای اخیر به رغم کاهش شدید خدمات به اعضای خود همراه با پایین آوردن سطح حقوق های بازنشستگان تابع این صندوق و افزایش فرانشیزها و خصوصی کردن بخشی از درمان تحت عنوان "بیمه تکمیلی" و حذف اکثر مشمولین بازنشستگی سخت و زیان آور، ناشی از دست اندازی مدیریت دولتی بر این نهاد کلان اقتصادی و غارت همه ساله ثروتهای منقول و غیر منقول این سازمان است.

محمد رضا قربانی در جای دیگری از نوشته خود در جواب به سالاری مدیرکل تامین اجتماعی که می گوید با کمک دولت حقوق بازنشستگان را می دهیم می گوید:

زمانی سازمان تامین اجتماعی با خرید صدها مجتمع اقتصادی از جمله بانکها، پتروشیمیها، داروسازیها و... تبدیل به یکی از بزرگترین هلدینگهای خاورمیانه شد. اما حالا چطور به یک سازمان فقیر اما طلبکار تبدیل شده است؟ دولت که یک بدهکار بزرگ است، چرا بدهیهایش را پرداخت نمی کند؟ این سازمان برای اداره شستا و انجام وظایفش به پول و اعتبار نیاز دارد. بدون منابع مالی، مدیریت ممکن نیست. در یک نگاه کلی تر، ورشکستگی و بحران عمیق سازمان تامین اجتماعی، نتیجه دخالت های بی جا و مداوم دولت ها است.

او تاکید کرد: اگر دولت ها در کار این سازمان دخالت نمی کردند، امروز با یکی از بزرگترین "نهادهای اقتصادی جهان روبه رو بودیم

بله واقعیت هم همینطور است، تامین اجتماعی اگر با چنین بیرحمی و به اصطلاح خصوصی سازی بخش بزرگی از دارایی های نهاد اقتصادی شستا به غارت نمی رفت، اگر نیمی از کارخانه ها و کارگاه های کل کشور از شمول بیمه خارج نمی شدند، اگر بدهی های کارفرمایان بابت سهم بیمه به کرات بخشیده نمی شد، اگر در زمان احمدی نژاد، روحانی، رئیسی و پزشکیان اموال آن به یغما نمی رفت و اگر طرح ورشکسته پوشش پزشکی دولت رئیس بخش بزرگی از اندوخته های تامین اجتماعی را هلهلی بالا نمی کشید در آن صورت کار بجایی نمی کشید که با گذشت ۴ ماه از فروردین هنوز حقوق آن ماه بازنشستگان معوق می ماند

مضحکتر از همه آن است که همه ی این اقدامات مخرب، از بالا کشیدن شرکتهای پرسود متعلق به تامین اجتماعی توسط ایادی حکومت فاسد، تا تعدیل قوانین بازنشستگی و بقیه به بهانه چابک سازی تامین اجتماعی و تعمیم مناسبات بازاری به حوزه تامین اجتماعی انجام گرفته است.

آنهایی هم که بردند و خورده اند حالا به این هم راضی نیستند، می خواهند ته مانده شرکتهای تامین اجتماعی را نیز مفت و مجانی به آنها واگذار کنند. این سیستم اگر با همین دست و فرمان پیش برود چیزی غیر از ورشکستگی یک نهاد ۴۰ میلیون نفری و سپردن این جمعیت کلان به نهادهای بازاری موسوم به خیریه ها و امثال کمیته امام که زیر پوشش خیریه از آب کره می گیرند نیست.

اما آقای قربانی بعد از آن همه ایراد و انتقاد که به عملکرد دولت می گیرد، درست به مانند سایر رفقای تشکیلاتی خود در تشکلهای حکومتی تکلیف نهایی تامین اجتماعی را به مدیر کل دولتی



این تشکیلات که ظاهراً در نوشته سبب افلاس تامین اجتماعی را مدیران دولتی عنوان کرده است می سپارد و می فرماید

قربانی در پایان تصریح کرد: امید است آقای دکتر سالاری به عنوان یک مدیر لایق، با استقلال عمل و دور از سلطه دولت و با دریافت مطالبات سازمان، بتواند توان اقتصادی صندوق تامین اجتماعی را احیا کند. آقای دکتر سالاری باید بداند و می‌داند که جامعه کارگری و بازنشستگان به او مجوزی برای تخلف از قوانین نداده‌اند و نخواهند داد. ایشان موظف به اجرای کامل تعهدات "قانونی هستند؛ به ویژه در دو حوزه مهم: تامین معیشت و درمان رایگان

اینجور "نمایندگان" تا وقتی بعد از انتقادات بی هزینه شان که صد البته ناشی از فشار بازنشستگان و تشکلهای مستقل آنهاست، در نهایت بجای سازماندهی هر اقدامی ریش و قیچی را بدست مدیر دولتی می سپارند، در واقع به تحکیم پایه و تداوم قدرت همانهایی خدمت می کنند که وضعیت کنونی نتیجه عملکرد آنها و سلف شان است و ممکن است در این میان بابت تمجید و تعریف از جناب مدیر جدید یک چیزی هم نصیب ایشان بشود

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



گزارش تازه شورای سازماندهی کارگران نفت از تازه ترین اعتراضات گروهی از کارگران نفت
تجمعات همکاران رسمی برای پیگیری مطالبات

امروز دوشنبه ششم مرداد ماه همکاران رسمی ما در نفت بنا بر اولتیماتومی قبلی در اعتراض به سطح نازل حقوق و گذاشتن سقف و کف حقوق و کسورات مزدی خود تجمع کردند. این تجمعات در صبح این روز توسط کارگران شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، کارگران نفت و ، کارگران شاغل در پالایشگاه گاز فجر جم، POGC گاز پارس سکوی‌های ۴۰ گانه‌ی



در SPGC شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت یک)، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی پالایشگاه های نهم، هفتم، دوازدهم، اول، دوم و ستاد برگزار شدند. همکاران رسمی اعلام کرده اند که تا وقت پاسخ نگیرند هر دوشنبه تجمع خواهند داشت



قدردانی جمعی از فعالان صنفی معلمان و کارگران البرز از مهدی معرف

جمعی از فعالان صنفی معلمان و کارگران، روز شنبه ۴ مرداد، جهت قدردانی از مهدی معرف، معلم آزادی خواهی که به شش ماه انفصال از خدمت محکوم شده، با او دیدار کردند

در این دیدار، حاضران ضمن ارج نهادن به تلاش های مهدی معرف در مسیر مطالبه گری و روشنگری آموزشی، بر اعلام همبستگی با همه فعالان صنفی و مدنی که از حقوق اجتماعی و مدنی محروم شده اند، تاکید کردند



از سرگیری تظاهرات هفتگی بازنشستگان برای دومین هفته پیوسته در رشت، تهران و ساری

دعوت به شرکت در تظاهرات روز یکشنبه بازنشستگان در رشت

!مردم آگاه و شریف ایران

"نان، درمان، انرژی، حق مسلم ماست"

باور نمی کردیم در کشوری که ۷٪ منابع جهان را در خود انباشته است، روزی فرا رسد ! فرودستان، در تهیه نان، با تعب و رنج مواجه شوند

باور نمی کردیم شعار "تامین اجتماعی؛ نیاز امروز، پشتوانه فرداست" که در قالب ماده ۵۴ (درمان رایگان) بدیهی ترین، قوانین آن بود، روزی فرا رسد که سهامداران آن به علت فقر و هزینه سرسام آور درمان و دارو، مجبور باشند، ادامه درمان را رها کنند

باور نمی کردیم در کشوری که از تمام پتانسیل توسعه صنعت انرژی برخوردار است، روزی فرا رسد مردم آن که قرار بود از "برق مجانی، آب مجانی اتوبوس مجانی" و از همه مهمتر "به



**مقام انسانیت " دست یابند ؛ برای تهیه لقمه ای نان تا کمر در سطلهای زباله خم شوند و طی
!جدولی، در انتظار روشن شدن لامپهای منزل باشند**

.بنابر این راهی جز حضور حداکثری در کف خیابان نمی ماند

**فقر و فاصله طبقاتی تار و پود زندگی فرو دستان را در هم تنیده و طبقه متوسط را نیز نابود کرده
مرداد/۴۰۴ ساعت ۱۰/۳۰ مکان: / است. تمامی این جنایات، عامدانه می باشد زمان: یکشنبه ۵
رشت ، گلسار، مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان گیلان**



**دیدار جمعی از فعالان صنفی معلم ، فعالان کارگری و فعالان بازنشستگان با اسماعیل گرامی
جمعی از فعالان صنفی معلم ، فعالان کارگری و فعالان بازنشستگان با اسماعیل گرامی ، که
. به تازگی از زندان تهران بزرگ آزاد شده است ، دیدار کردند**

**اسماعیل گرامی که از فعالان حقوق بازنشستگان می باشد ، بارها بخاطر فعالیت های صنفی
. خود بازداشت و زندانی شده است**

**. این فعال صنفی هفته گذشته با پایان حبس یک ساله خود از زندان تهران بزرگ آزاد شد
شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن تبریک مجدد آزادی این فعال صنفی
، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و از جمله معلمان زندانی می باشد**

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



خطر کودتای میلیاردرها علیه دموکراسی/ امنیت نوع بشر را به خطر انداخته اند



هشدار می‌دهد که با تضعیف سازمان‌های صلح ITUC در حالی که ۸۰ سال از بمباران اتمی ژاپن می‌گذرد، طلب، تخریب محیط زیست و تغییرات اقلیمی و تخریب ارزش‌هایی چون عدالت اقتصادی در جهان، امنیت نوع بشر به خطر افتاده است.

طی (ITUC) کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، «ITUC» به گزارش ایلنا و به نقل از پایگاه خبری بیانیه‌ای علیه گسترش جنگ طلبی و تنش‌های جهانی و تخریب هدفمند طبقه کارگر موضع‌گیری کرد.

در این بیانیه آمده است:

هشدار می‌دهد که با تضعیف سازمان‌های صلح ITUC در حالی که ۸۰ سال از بمباران اتمی ژاپن می‌گذرد، طلب، تخریب محیط زیست و تغییرات اقلیمی و تخریب ارزش‌هایی چون عدالت اقتصادی در جهان، امنیت نوع بشر به خطر افتاده و باید الگوی مشترک جدیدی برای تولید امنیت و رفاه بشر تبیین شود.

ما پیش از این طی بیانیه‌ای نسبت به وقوع «کودتای میلیاردرها» علیه ملت‌ها و دموکراسی هشدار دادیم. با این کودتا به سطح نظامی‌گری دامن زده شده و نابرابری‌ها تشدید می‌شود.

پیام ما این است که دولت‌ها باید اولویت‌های خود را از سلاح و جنگ به تحقق عدالت اجتماعی و توسعه انسانی تغییر جهت دهند.

ارزش‌هایی چون عدالت اجتماعی و دموکراسی توسط مشتی میلیاردر و نیروهای راست افراطی در جهان به سرقت می‌رود، در حالی که پول مردم به جای مراقبت‌های بهداشتی، آموزش یا حفظ محیط زیست در برابر تغییرات اقلیمی، صرف سلاح می‌شود، عده‌ای تلاش دارند تا سهم خود را از قدرت و ثروت به هر هزینه‌ای افزایش دهند.

این بیانیه، که با همراهی هشت تشکل مدنی بین‌المللی و منطقه‌ای امضا شده، یک زنگ بیدارباش و فراخوان برای اقدام است. در آن آمده است: ما به دولت‌هایی نیاز داریم تا با تعهد به حفظ صلح، عدالت و کرامت انسانی به مدیریت کشورها بپردازند. کارگران خواستار جهانی مبتنی بر دموکراسی، پایداری اجتماعی و رفاه همگانی هستند.

مطالبه کلی تشکل‌های امضا کننده این بیانیه به شرح زیر است:

۱) تصویب جهانی پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای در مقیاس کل جهان

۲) تصویب اصلاحات مالیاتی جهانی، از جمله کنوانسیون سازمان ملل در مورد همکاری‌های مالیاتی بین‌المللی برای جلوگیری از فرار مالیاتی ثروتمندان بزرگ

۳) اجرای طرح گسترش دستمزدهای عادلانه و کار شایسته برای همه، با حفظ تشکلهای قدرتمند مدنی و کارگری و صنفی

۴) کاهش هزینه‌های نظامی کشورها، برای هدایت بودجه به سمت خدمات عمومی، حمایت اجتماعی و اقدامات زیست محیطی



- ۵) ایجاد مکانیسم تبدیل عادلانه سازمان ملل متحد برای حمایت از کشورهایی که از اقتصادهای نظامی به صنایع پایدار روی می‌آورند.
- ۶) گسترش جهانی سیستم‌های حمایت اجتماعی، به ویژه برای گروه‌های حاشیه‌ای مانند زنان، کارگران مهاجر و افراد شاغل در کار غیررسمی.
- ۷) تقویت استراتژی‌های کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>